

بدان، اَتَيْدَكَ اللهُ

* نصاب رهبر معظم انقلاب اسلامی (منتظله) به طلاب *



دفترته و نشره: حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

مقدمه

۱۹ فراز از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اهمّیت توجه طّلاب علوم دینی به وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی در عصر انقلاب اسلامی

|۱|

حادثه‌ی انقلاب، یک حادثه‌ی عظیم و فوق‌العاده و محیرالعقولی بود. ما حالا عادت کرده‌ایم به این، [اما] کسانی که از بیرون نگاه میکنند به حادثه‌ی انقلاب و قضاوت میکنند درباره‌ی حادثه‌ی انقلاب، عظمت این حرکت را، این حادثه را، این پدیده را بیشتر از ما درک میکنند. ما چون در جریان بودیم، خیلی توجه نمیکنیم، خیلی درباره‌اش اهتمام نمی‌ورزیم برای ارزیابی و تقویم این حادثه.^۱

|۲|

همه‌ی دنیای استکبار و طغیان و جاهلیت یک طرف و این انقلاب طرف دیگر. واقعه‌ی خیلی مهمی اتفاق افتاده است و در خودش این کفایت را می‌بیند که به مصاف تمام طغیان و کفر جهانی برود. ما در این انقلاب قرار گرفته‌ایم و نمی‌فهمیم چه قدر بزرگ و مهم است.^۲

۱. ۱۳۹۴/۲/۲۵، در دیدار اساتید و طّلاب تهرانی

۲. ۱۳۶۸/۰۹/۰۷، در دیدار با مجمع نمایندگان طّلاب و فضایی حوزه‌ی علمیه‌ی قم

خصوصیت انقلاب عظیم اسلامی که آن را به عنوان یک پدیده‌ی بی‌نظیر در تاریخ قرنهای اخیر در چشم تحلیلگران و صاحب‌نظران معرفی کرده است، قبل از آن در هیچ‌یک از انقلاب‌های بزرگ عالم دیده نشده بود؛ نه در انقلاب فرانسه، نه در انقلاب کمونیستی در شوروی و نه در انقلاب‌های کوچک دیگری که به تبع این دو انقلاب و در خط آنها حرکت می‌کردند.^۱

تحلیلگران غربی تحلیل کردند و فهمیدند و درست هم فهمیدند که این انقلاب فقط این نیست که یک رژیم دست‌نشانده را در ایران از بین برده است و این کشور عظیم و پربرکت را از سیطره‌ی استکبار خارج کرده؛ بلکه این حرکت الهام‌بخش خواهد شد، دنیای اسلام را تکان خواهد داد، ملت‌ها را به فکر خواهد انداخت.^۲

در مبارزات سیاسی در کشور - هم این مبارزات سیاسی منتهی به انقلاب و هم سایر مبارزات - عموم مردم تا حدودی ورود داشتند لکن دو مجموعه، ورود واضح و اثرگذار و بینی داشتند: یکی حوزه‌های علمیّه و علمایند - علمای شیعه - یکی هم دانشگاه‌ها؛ این دو جریان در ادامه‌ی مبارزات و تحرّک مبارزاتی در کشور، هم امروز حضور دارند، هم در گذشته - در قضیه‌ی مشروطه، قضایای نهضت ملی، قضایای نزدیک به زمان ما در جاهای دیگر - حضور داشتند؛ لکن یک فرق اساسی‌ای بین حوزه و دانشگاه در این زمینه وجود دارد که این فرق باید مورد توجه قرار بگیرد.

۱. بیانات در اجتماع بزرگ زابیران حرم امام خمینی (ره) ۱۳۸۱/۳/۱۴.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۶/۶/۲۳.

مبارزات دانشجویی همیشه، هم در کشور ما، هم در جاهای دیگر، محدود مانده است در محیط دانشگاه، یا اندکی تأثیرگذاری بر روی برخی از مسائل عمومی کشور داشته؛ هیچ وقت مبارزات دانشجویی تبدیل به یک انقلاب و به یک حرکت عمومی و تحول عمومی نشده. این مبارزات اگر منها میشد از مبارزات روحانیت و مبارزات روحانیت نمیبود، مثل همه‌ی مبارزات دانشجویی دیگر، در همان محیط دانشگاه - یا دانشگاه تهران، یا چند دانشگاه در سراسر کشور- محدود میشد و یک حمله‌ای میکردند، یک حرکتی میکردند، یک مبارزه‌ای میشد، یک معارضه‌ای میشد و تمام میشد؛ اما حوزه این جور نبود.

مبارزات حوزه اولاً تقریباً همه‌گیر بود؛ یعنی در حوزه‌ی علمیّه - نمیخواهیم بگوییم تحقیقاً این جور بود - تقریباً همه‌ی طلاب یا اغلب طلاب درگیر مبارزه شدند.^۱

|۶|

حوزه‌ی علمیّه، بخصوص حوزه‌ی علمیّه‌ی قم مادر این نظام است؛ به وجود آورنده و مولد این انقلاب و این حرکت عظیم است.^۲

|۷|

حوزه‌ی قم مرکب است از یک مجموعه‌ای که این مجموعه در جامعه میتواند اثر بگذارد. یک جزء این مجموعه، مرجعیت است؛ مرجع تقلید مثل امام بزرگوار به‌تنهایی تقریباً بار همه را بر دوش میکشیدند. این مرجع تقلید بود که به‌عنوان دین، به‌عنوان حکم شرعی، به‌عنوان وظیفه‌ی دینی حرف او امتداد پیدا میکرد در بین مردم لکن در کنار این، بخش طلابی وجود داشت؛ اگر طلاب نبودند این حرکت این‌طور گسترش پیدا نمیکرد. طلبه‌ها از جاهای مختلف، از شهرهای مختلف و نقاط مختلف

۱. در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه‌ی علمیّه قم ۱۳۹۴/۱۲/۲۵.

۲. بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیّه قم ۱۳۸۹/۷/۲۹.



کشور جمع میشوند، بعد در ایام تعطیلات یا غیر تعطیلات متفرق میشوند و میروند در جلسات منبر، جلسات سخنرانی، جلسات هفتگی، جلسات دینی، این فکر را منتشر میکنند در سطح مردم؛ این خیلی مهم است. یک طلبه وقتی که فرض کنید رفت در یک روستایی یا در یک شهر کوچکی یا بزرگی و آن فکر را بنا گذاشت که تبلیغ بکند و تبیین بکند و منعکس و منتقل بکند به مخاطبین، فرقی با یک دانشجو از زمین تا آسمان است؛ دانشجو نمیتواند این کار را بکند اما طلبه میتواند. آن عاملی که توانست پیام مراجع را در دوره اول - آن چند ماه اول - و بعد پیام امام بزرگوار را که تنها این کار را انجام میدادند و این رهبری را انجام میدادند - چه در دوره قم، چه در دوره نجف - منتشر کند در اقصی نقاط کشور و در دل‌های مردم نفوذ بدهد عامل طلبگی بود؛ طلبه‌ها بودند که این کار را کردند، طلبه‌ها بودند که این فکر را منتقل کردند به سرتاسر کشور.^۱

|۸|

بعد از پیروزی انقلاب، سهم و نقش معلمان و متخرّجان حوزه در اداره‌ی انقلاب و مسئولیت‌پذیری در مسائل آن - چه در قانون‌گذاری، چه در قضایش، چه در قوه‌ی مجریه‌اش و چه در زمینه‌های سیاسیش - اگر نگوئیم بیشتر است، اقلاً نقشی برابر با غیر حوزویها داشته‌اند.^۲

|۹|

در کارهای اساسی؛ جنگ، حضور در جبهه‌ها، تحریض بر حضور در جبهه‌ها، کارهای اقتصادی و غیره، همیشه در صفِ مقدّم بودند. حوزه، باید این‌طور باشد. کسی که در حوزه باشد و به نظام اسلامی و احکام قرآن - که در این نظام عملی می‌شود - و به حکومت اسلامی -

۱. ۱۳۹۴/۱۲/۲۵، در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم

۲. ۱۳۶۸/۹/۷، در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم

که به برکت مجاهدت مردم سرپا شده است - با چشم غیر جدی نگاه کند، یک عنصر بیگانه است؛ هرکس می‌خواهد باشد. در حوزه‌ی علمیه‌ی صحیح شیعی، همه بخصوص طلاب جوان، باید خود را در صفوف اول بدانند، که بحمدالله همیشه همین‌طور بوده است. یعنی همیشه فضلالی جوان، طلاب جوان، بزرگان حوزه و مدرسین محترم، در صفوف مقدم جا داشته‌اند؛ باز هم باید در صفوف مقدم جا داشته باشند.^۱

|۱۰|

فضلا و مدرّسان و اساتید و علمای بزرگ، باید جهت حوزه‌ها را در جهت ساختن انسانها و علمایی منطبق با معیارهای اسلامی قرار بدهند و عناصر فولادین و هوشیار و خسته‌نشو و مؤمن تربیت کنند و نسخه‌های کامل امام بزرگوارمان را در حوزه‌ها به‌وجود آورند. اسلام، به این نیروها و عناصر احتیاج دارد. اگرچه یک شخصیت آن‌چنانی می‌تواند ملتی را نجات دهد، اما ملتهای مسلمان و جهان و حرکت انقلاب و آینده‌ی تاریخ خودمان نیز احتیاج زیادی به این‌گونه عناصر دارد.

حوزه‌ها خیلی کار و مسئولیت دارند. مسئولیت، بر دوش همه است و فقط بر دوش مراجع و مدرّسان یا طلاب و فضلالی جوان نیست؛ بلکه هرکسی نسبت به توان و امکانات خود در حوزه‌های علمیه، مسئولیتهایی دارد.^۲

|۱۱|

اگر ما عناصر اصلی حوزه را چهار تا پنج عنصر بدانیم: استاد، شاگرد، فضای آموزشی، مواد درسی و از این قبیل شاید به اعتباری

۱. بیانات در شروع درس «خارج فقه» ۱۳۷۳/۶/۲۰.

۲. در دیدار با جمع کثیری از علما، مدرّسان، فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم و مدارس علمیه‌ی تهران



بتوان گفت: مهم‌تر از همه، عنصر طلبه است؛ چون همه‌ی این امکانات برای اوست. اگر طلبه نباشد، وجود فضای آموزشی، کتاب درسی، علم استاد و فنّ سخنوری او بی‌معنا می‌شود. و این، یک طرف قضیه است. طرف دیگر آن، فردای دنیای اسلام است که آن هم در دست طلبه‌ی امروز است. یعنی همین طلبه‌ی امروز که مهم‌ترین ناقل و رسانه است، فردا هم مهم‌ترین وسیله و ناقل است. بنابراین، به اعتباری، طلبه، اهمّ عناصر در این باب است.

نظام حوزه، نقش زیادی در جلوگیری از اتلاف وقت طلبه دارد. کتاب درسی خوب، نظام آموزشی درست و منطقی، فرصت‌های آموزشی مناسب، قرار دادن صحیح و منطقی درسها در کنار هم - که همین، جزو نظام آموزشی است - کم کردن تعطیلات حوزه و مسائلی از این قبیل به مسئولان و گردانندگان امور حوزه مربوط می‌شود.^۱

|۱۲|

امروز حفظ حوزه‌های علمیه و تربیت طلاب فاضل و علمای بزرگ یک وظیفه‌ی اساسی است.^۲

|۱۳|

طلاب جوان، باید خودشان را بسازند.^۳

|۱۴|

امروز هرکس برای تعلیم و تربیت وارد حوزه می‌شود، باید این در ذهنش باشد که من امروز به اندازه‌ی وسع و توانم، طلبه‌ی فاضل،

۱. بیانات در دیدار روحانیون و طلاب ایرانی و خارجی در صحن «مدرسه‌ی فیضیه

قم»

۲. بیانات در دیدار علما و روحانیون کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۱.

۳. در دیدار با جمع کثیری از علما، مدرّسان، فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم و

مدرّس معروف، مرجع یا از ارکان حوزه می‌شوم تا به نظام جمهوری اسلامی و مسئولانش کمک کنم. طلبه باید از ابتدا تا پایان، این روال و مسیر را در نظر داشته باشد. این، باید در حوزه‌ی علمیه به یک فرهنگ تبدیل شود.^۱

|۱۵|

و آخرین بخش عرایض من توصیه‌ها و تذکرات به شما عزیزان است.

اوّل این که درس خواندن را جدّی بگیرید عزیزان! نگوید چون این برنامه فلان عیب را دارد، پس برنامه هیچ؛ نه. تا برنامه تغییر نکرده است، همین برنامه‌ای که وجود دارد، باید با جدّیت دنبال شود. باید درس بخوانید. تا قبل از اتمام دوره‌ی سطح، توصیه‌ی من این است: طلبی که مشغول به سطوح هستند، تا قبل از آن که از سطح خارج شوند، به هیچ کار دیگر غیر از درس نپردازند. درس بسیار جدّی است؛ درس بسیار مهم است؛ علم و سواد پایه‌ی اصلی است؛ بدون آن هیچ نقشی نمی‌توانید ایفا کنید، یا درست نمی‌توانید ایفا کنید. نقش آفرینی غلط، از نقش آفرین نبودن به مراتب خسارت بارتر است. دوم، حفظ زیّ طلبگی است.

...توصیه بعدی من به شما عزیزان این است که باید اخلاق اسلامی را، هم بشناسیم - همه‌مان؛ این دیگر پیر و جوان ندارد؛ اما جوانها بیشتر و بهترند - و هم تحلی به حلیه‌ی اخلاق پیدا کنیم.^۲

|۱۶|

من یک وقت خدمت امام هم این را عرض کردم که اگر کسی

۱. بیانات در دیدار روحانیون و طلباب ایرانی و خارجی در صحن «مدرسه‌ی فیضیه

قم»

۲. سخنرانی در اجتماع بزرگ اساتید، فضلا و طلباب حوزه‌ی علمیه‌ی قم، در

مدرسه‌ی فیضیه



تصوّر کند روحانیتِ زمان ما - بما فیهم شخصی مثل امام - تنها عامل این حرکت بزرگ بود، به قضاوت بنده اشتباه کرده است. آنچه اتفاق افتاد، محصولِ قرن‌ها تلاش علمای بزرگ دین، محدّثان بزرگ، فقهای بزرگ، مفسّران بزرگ و شخصیت‌های علمی بود؛ آنهایی که در فقر زندگی کردند، در گمنامی مردند و امروز آثارشان در دسترس ماست... البته مردی مانند امام بزرگوار ما نیز لازم بود که بتواند این استعدادها را به فعلیت درآورد. اگر او نبود، باز هم سالهای متمادی در همان وضعیت می‌ماندیم؛ بنابراین ما مدیون همه‌ی این سلسله‌ی جلیله‌ی عظیمه‌ی فحیمه‌ی علما و فقها و محدّثان و مفسّران و مبلغان دین در طول این هزار و اندی سال هستیم.^۱

|۱۷|

باید این ذخیره را ما هر چه ممکن است، بیشتر کنیم؛ نباید این ذخیره از بین برود. من حالا به شما طلبه‌های جوان عرض می‌کنم که خودتان را آن‌چنان بیارائید و بسازید که این بنیه‌ی قوی علم و پارسائی بتواند این بار سنگین را در آینده تحمل کند. ما بعد از این به علمای بزرگ، علمای مجاهد فی سبیل الله، علمای روشن‌بین و روشنفکر، علمای آگاه از نقاط آسیب دنیای اسلام و عالم تشیع نیاز داریم. شماها باید این نیاز بزرگ را تأمین کنید؛ شما آن علما هستید. آنهایی که باید این ستونهای محکم را تشکیل بدهند که این بنای استوار و مرصوص را بر روی دوش خود حمل کنند، شما هستید؛ شما طلاب و فضلاء جوان.

... جوانهای عزیز! نگذارید یک ساعت از عمرتان و وقتتان تلف شود. گعده‌های بیخودی، ولنگاری‌های از دست دادن وقت، مشغول شدن به کارهای غیر مفید را بایستی با تمرین، با مراقبت خود - خویش‌مراقبتی -

کنترل کنید. اینها قابل کنترل از بیرون نیست. باید نگذارید این عیوب در وجودتان راه پیدا کند. این، خیلی چیز مهمی است. وقتی که شما دارید؛ این سنین - فرض بفرمائید هجده سالگی تا سی سالگی مثلاً - جزو طلائی‌ترین قطعات عمر انسان است. هر چه در این مدت یاد بگیرید، برای شما ذخیره‌ی دارای رویش خواهد شد، نه فقط ذخیره‌ای که بماند، بلکه با تأمل عقل و فکر، با حرکت و کارکرد عقل و فکر، آنچه که ذخیره کرده‌اید، دائم رشد میکند؛ مطلبی که شما از کتابی خواندید و حفظ کردید، در ذهنتان قرار گرفت، این به مرور زمان، عناصر متناسب با خودش را به خود جذب میکند و ناگهان شما می‌بینید که یک نظریه، یک فکر بکر، به ذهنتان آمد. این، خیلی چیز مهمی است. هر چه میتوانید، در این برهه یاد بگیرید.^۱

| ۱۸ |

پاکیزگی، پارسایی، پاک‌دامنی، آگاهی، روشن‌بینی، روشن‌فکری و آشنایی با مسائل جامعه و جهان، پایه‌های اصلی است. ممکن است انسان، عالم و باتقوا هم باشد، اما چون دنیا را نمی‌شناسد، سرش را پایین بیندازد و راه بیفتد؛ یک وقت ببیند مقدار زیادی از جاده دور شده است. ما چنین اشخاصی داشته‌ایم؛ آدم‌های خیلی خوب، مؤمن و عالم؛ اما خط جبهه را گم کرده‌اند. وقتی انسان قطب‌نما نداشته باشد، راه را زود گم می‌کند. اغلب شما جوانها دوران جنگ را درک نکرده‌اید. در جبهه، انسان زود راه را گم می‌کند؛ یک وقت خیال می‌کند که دارد به طرف دشمن تیراندازی می‌کند؛ اما چون درست جهت‌یابی نکرده، می‌بیند به طرف نیروی خودی دارد تیراندازی می‌کند! ما کسانی را دیدیم که به جای اینکه تیراندازی معنوی‌شان را به طرف دشمن بکنند،

لوله‌های توپ‌خانه‌شان را طرف جبهه‌ی خودی گرفتند و تا هر جا که توانستند، جبهه‌ی خودی را کوبیدند! در دوران مبارزات، ما این را دیدیم و علت هم بر اثر ناآگاهی است. باید آگاهی کسب کنید. روشن بینی و روشن فکریتان را نگه دارید و اراده و همت و خستگی‌ناپذیری را در خود حفظ و تقویت کنید.^۱

| ۱۹ |

عزیزان من! بنده بخصوص به شما جوانها بسیار امیدوارم. مطمئنم که شما جوانهای روحانی و اهل علم که در دوران جمهوری اسلامی با این آگاهی‌ها رشد کرده‌اید، آینده‌ی بسیار مستحکم و متینی را برای روحانیت شیعه طراحی و زمینه‌سازی می‌کنید.^۲

و من الله التوفیق

۱. ۱۳۸۳/۳/۲۱، بیانات در دیدار طلاب و اساتید مدرسه‌ی علمیه‌ی آیت‌الله مجتهدی

۲. ۱۳۷۹/۵/۴، بیانات در دیدار ائمه‌ی جمعه، علما و روحانیون استان اردبیل در مسجد میرزا

فهرست مطالب

- فصل اول: کلیات ۱
- ۱) طلبه در تراز انقلاب اسلامی ۳
- اساس امیدواری به فضیلتی جوان ۳
- ۲) گذر سریع زمان برای انجام کار ۴
- ۳) غفلت از هدف؛ آفت طلاب ۵
- ۴) طلبه؛ مهم‌ترین عنصر حوزه ۶
- نقش طلاب در مُمَر ماندن حوزه ۶
- ۵) کار طلبگی؛ کاری از جنس عشق، شور، محبت و احساس وظیفه ۷
- ۶) وجود بالقوه‌ی افرادی در حدّ امام (ره) در میان طلاب ۹
- ۷) راه دشوار طلاب برای انجام وظایف ۹
- ۸) فهم ارزش طلبگی با نگاه به ارزش مسئولیت‌های روحانیت ۱۰
- سه مسئولیت عمده‌ی یک روحانی ۱۱
- ۱) هدایت دینی ۱۱
- کارهای یک روحانی برای هدایت دینی ۱۱
- الف) هدایت و تبیین اندیشه‌ی دینی ۱۱
- ب) هدایت عملی مردم به ظواهر دینی ۱۳
- ج) عمق بخشیدن به اعتقادات دینی موروثی ۱۳
- ۲) هدایت سیاسی ۱۱
- ۳) خدمات اجتماعی ۱۶

ارزش طلبگی، فراتر از ارزش همه‌ی تخصص‌ها ۱۷

۹) بانوان طلبه: آبروی نظام اسلامی در جهان ۱۷

فصل دوم: شئون و وظایف طلبگی ۱۹

الف) تحصیل ۲۱

۱) لزوم برنامه‌ریزی زمانبند برای زندگی تحصیلی خود ۲۲

۲) اهمیت پرداختن جدی به درس ۲۳

ضرورت پرهیز از سرهم‌بندی کردن در درس ۲۳

بهبودی غلط درس خواندن به خاطر انجام نشدن تحوّل در حوزه ۲۴

ضرورت پرهیز از اشتغالات غیر درسی قبل از اتمام سطح ۲۵

درس خواندن؛ حقیقتاً یک فرصت الهی ۲۵

لزوم مقدم داشتن درس بر فعالیت‌های هنری ۲۶

لزوم ضابطه‌مند شدن تعطیلات حوزه ۲۶

۳) هدف از دوره‌های درسی حوزه ۲۷

۴) اهمیت ققاهت ۲۸

آینده‌ی بلندمدت نظام در گرو عنصر ققاهت ۲۸

۵) مباحث علمی اصلی در حوزه؛ فقه، کلام و فلسفه ۲۹

لزوم پرداختن به دیگر علوم اسلامی، علاوه بر فقه و اصول ۳۰

ضرورت طبقه‌بندی و اولویت‌بندی علوم حوزوی ۳۱

عدم گسترش کافی و لازم در باب علم کلام ۳۲

لزوم پرداخت جدی به کلام جدید در حوزه ۳۴

اهمیت یادگیری فلسفه ۳۵

ضرر مخالفت پیشینیان با فلسفه در حوزه ۳۶

لزوم امتداد یافتن فلسفه تا سیاست و اجتماع ۳۶

ضرورت آمیخته شدن فلسفه با معارف دینی و معنویت ۳۷

تلاش مخالفان فلسفه‌ی اسلامی برای ترویج فلسفه‌های دیگر ۳۸

۶) آزادی طلاب در انتخاب سبک‌های مختلف سنتی تدریس و تدرّس ۳۹

۷) اجتهاد و تولید علم ۴۰

اهمیت و چیستی اجتهاد ۴۰

ضرورت برنامه‌ریزی برای جدا نمودن مسیر اجتهاد از دیگر شئون حوزوی ۴۱

ضرورت پرورش روحیه‌ی تولید علم در خود ۴۲

- ۴۲ ضرورت فقه جواهری
- ۴۵ ضرورت توجه به رشته‌های تخصصی
- ۴۵ لزوم نگاه حکومتی به فقه
- ۴۶ (۸) اهمیت یادگیری دیگر ملزومات طلبگی در کنار دروس اصلی
- ۴۷ نیرداختن به قرآن و حفظ قرآن؛ نقیصه‌ی حوزه
- ۴۷ علوم اسلامی مهجور در حوزه
- ۵۰ زبان خارجی
- ۵۰ لزوم دانستن حداقل یک زبان زنده‌ی دنیا
- ۵۰ تعلیم اجباری زبان
- ۵۱ اهمیت مطالعه‌ی آثار شهید مطهری (ره)
- ۵۲ زیاد کتاب بخوانید و حافظه‌تان را پر کنید
- ۵۳ به روز بودن از نظر آشنایی با تحولات فکری جهانی
- ۵۳ (۹) ضرورت همگانی شدن پایان‌نامه نویسی
- ۵۴ (۱۰) مدرک حوزوی
- ۵۵ (ب) تهذیب
- ۵۵ (۱) تکلیف جامعه‌ی روحانیت؛ افزودن استحکام معنوی خود
- ۵۶ تقوا و غلبه‌ی بر شیطان درون
- ۵۷ لزوم دوری از زخارف دنیا
- ۵۸ توصیه به تقوا و اجتناب از توصیه به علم
- ۵۹ زی طلبگی
- ۶۰ لزوم حفظ آبروی هزار ساله‌ی روحانیت شیعه با رعایت زی طلبگی
- ۶۱ شناخت اخلاق اسلامی و تخلق به آن
- ۶۲ ضرورت استفاده‌ی طلاب از فضای معنوی قم و حوزه‌ی علمیه
- ۶۳ (۲) دنبال وظیفه بودن نه دنیا
- ۶۳ (۳) اهمیت درس اخلاق اساتید صاحب نفس
- ۶۴ (۴) ارزش جهاد
- ۶۵ لوازم جهاد
- ۶۶ (۵) نعمت بزرگ نماز
- ۶۷ (۶) تعمم
- ۶۷ تعمم؛ مرحله‌ای حائز اهمیت در زندگی طلبگی
- ۶۷ ثقل معنوی عمامه



- توقعات از معممین ۶۸
- الف) تبیین دین ۶۸
- ب) عمل به علم ۶۸
- ج) حریت و آزادگی از قدرتهای فاسد ۶۹
- ۷) استفاده از فرصت جوانی ۷۰
- فرصت جوانی؛ زمان رسیدگی معنوی به خود ۷۰
- استفاده از جوانی برای معنویت ۷۰
- ضرورت استفاده‌ی از سرمایه‌ی جوانی برای خودسازی ۷۱
- نقش عبادات و توسلات دوران جوانی در توفیقات ۷۱
- مشکل شدن تحصیل تقوا در دوران پیری ۷۲
- امتیاز دوره‌ی جوانی برای پیشرفتهای مادی و معنوی ۷۳
- لزوم همراه نمودن روحیه‌ی جوانی با ادب طلبگی ۷۳
- وظایف طلاب جوان در حفظ ارزشها در درون حوزه ۷۴
- ج) بصیرت سیاسی ۷۵
- الف) بصیرت و بینش سیاسی ۷۵
- ۱) اهمیت بصیرت در کنار تحصیل علم و تقوا ۵۷
- شبهه‌ی به مصلحت نبودن طرح برخی مبانی اسلام ناب ۷۶
- ۲) از مهم‌ترین مصادیق بصیرت ۷۷
- نمونه‌ای از تلاش دشمن برای سوء استفاده از عالم بی‌بصیرت ۷۷
- ۳) عداوت دشمنان با روحانی بصیر ۸۰
- ۴) بایدهای بصیرت سیاسی ۸۰
- ۴،۱. آگاهی از زمان ۸۰
- ضرورت داشتن نگاه درست به سیاست و جریانات سیاسی دنیا ۸۱
- ۴،۲. حرکت مدبرانه به سوی هدف ۸۲
- ۴،۳. دنبال کردن فکر وحدت دین و سیاست در تفقه و در عمل ۸۳
- ۴،۴. به دست آوردن اعتماد به نفس از لحاظ علمی و سیاسی ۸۵
- ۴،۵. حضور در صحنه در کنار تحصیل و تهذیب ۸۶
- ۴،۶. پرهیز از افراط و تفریط در حرکات انقلابی ۸۶
- ب) طلبه و نظام اسلامی ۸۸
- رابطه‌ی حوزه و نظام اسلامی ۸۸



- ۸۸..... حوزه‌های علمیه؛ قوام اصلی نظام در گذشته، حال و آینده
- ۸۹..... احساس مسئولیت حوزه نسبت به نظام
- ۸۹..... خدمت عظیم نظام به حوزه‌های علمیه
- ۹۰..... اتکای نظام به حوزه در زمینه‌های مختلف
- ۹۲..... وظیفه‌ی حوزه؛ تربیت روحانی با هدف برداشتن باری از دوش نظام
- ۹۲..... سنگین‌تر شدن مسئولیت روحانیت پس از انقلاب اسلامی
- ۹۳..... بهترین هدف یک طلبه؛ قصد خدمتگزاری به نظام اسلامی
- ۹۳..... طلاب؛ بسیجی‌های نظام در میدان تبلیغ
- ۹۴..... لزوم قدرشناسی طلاب نسبت به نظام اسلامی
- ۹۴..... ننگ کناره گرفتن از وظایف نسبت به نظام اسلامی
- ۹۴..... خطر بزرگ بی‌تفاوتی طلبه نسبت به مسائل انقلاب
- ۹۵..... تفاوت انتقاد از نظام با فاصله گرفتن از نظام
- ۹۷..... دو تهمت ساختگی دشمن: آخوند حکومتی و حکومت آخوندی
- ۹۷..... هدف دشمن از طرح این دو تهمت
- ۹۸..... تحلیل مفهوم آخوند حکومتی
- ۹۹..... افق دید طلبه‌ی امروز
- ۹۹..... (د) تبلیغ
- ۹۹..... (۱) ضرورت و هدف از تبلیغ
- ۱۰۱..... انسان‌سازی؛ هدف نهایی از تبلیغ
- ۱۰۲..... وظیفه‌ی روحانیت؛ رساندن معارف به دل مخاطب با روشهای سنتی و مدرن
- ۱۰۳..... (۲) بایدها
- ۱۰۳..... توانمندی علمی و عمل به گفته‌های خود؛ از الزامات مبلغ دینی
- ۱۰۴..... لزوم شناخت وظیفه‌ی امروز
- ۱۰۴..... (الف) رعایت اتقان در سخن
- ۱۰۵..... (ب) توجه داشتن به همه‌ی جوانب و شناخت دشمنی‌ها
- ۱۰۸..... توجه به تفاوت تبلیغ در دوران حکومت اسلامی با دوره‌های دیگر
- ۱۱۰..... فراهم آمدن امکان تبلیغ پس از انقلاب
- ۱۱۱..... به‌روز بودن تبلیغ
- ۱۱۲..... مدارا و تواضع نسبت به مردم و جذب دل آنان



- ۱۱۳..... استفاده از هنر در نشر معارف.....
- ۱۱۳..... جایگاه هنر در اسلام.....
- ۱۱۳..... ضرورت عرضه‌ی معارف انقلاب در قالب هنر.....
- ۱۱۴..... عدم استفاده‌ی حوزه از ابزار هنر برای نشر معارف.....
- ۱۱۵..... لزوم استفاده از هنرمند خودی.....
- ۱۱۵..... لزوم استفاده‌ی حوزه از شعر و ادب برای موفقیت در تبلیغ.....
- ۱۱۶..... ۳) ضرورت حضور فعال تر طلاب و فضلا در عرصه‌ی تبلیغ.....
- ۱۱۶..... ۴) منبر.....
- ۱۱۶..... اهمّیت منبر و تبلیغ چهره به چهره.....
- ۱۱۷..... عدم تعارض اهل علم بودن یا منبری بودن.....
- ۱۱۷..... چگونگی بهتر شدن منبر.....
- ۱۱۷..... الف) توجه به نیاز مردم به اخلاق و عمق تفکر انقلابی.....
- ۱۱۸..... ب) رعایت اعتدال نسبت به بیان مسائل سیاسی.....
- ۱۱۹..... ج) رعایت اقتضای حال و بیان مطالب مستند.....
- ۱۲۰..... ضرر بیان مطالب بی‌پایه در مناظر.....
- ۱۲۱..... د) حفظ وحدت ملی.....
- ۱۲۲..... هـ) هوشیار نمودن مردم نسبت به خطر دشمن.....
- ۱۲۳..... و) دقت در موضعگیری ها.....
- ۱۲۴..... ۵) وظایف مبلغان در محرم.....
- ۱۲۴..... لزوم خالص نمودن واقعه از پیرایه‌های مضر.....
- ۱۲۶..... لزوم برگزاری مجالس حسینی متناسب با شرایط پس از انقلاب.....
- ۱۲۶..... ویژگی‌های الزامی مجالس حسینی.....
- ۱۲۷..... الف) مؤثر بودن در ازدیاد محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام).....
- ۱۲۷..... ب) ایجاد معرفت روشن نسبت به عاشورا و پاسخگویی به سوالات.....
- ۱۲۸..... ج) افزایش ایمان و معرفت دینی در مردم با ارائه‌ی مطالب صحیح و مستند.....
- ۱۲۸..... ۶) هجرت به مناطق مورد نیاز.....
- ۱۲۸..... گله از تمرکز فضلا در قم.....
- ۱۲۹..... بی‌اهمیت بودن بزرگی یا کوچکی محل هجرت.....
- ۱۳۰..... بی‌تأثیر بودن هجرت چند ساله در رشد تحصیلی.....

۱۳۰ هـ) ورزش و نشاط

۱۳۰ اهمیت ترویج ورزش بین طلاب

۱۳۱ نشاط جوانی

۱۳۳ فصل سوم: کلام آخر: تکالیف سنگین علما

۱۳۵ الف) فهم و انتقال معارف

۱۳۶ ب) مجاهدت برای مردم

۱۳۷ ج) حفظ آبروی انقلاب

۱۳۸ د) حفظ موقعیت جمهوری اسلامی

۱۴۱ نمایه‌ها